

شکاکان به اسلام، محمد بن زکریا رازی

شاید ابوبکر محمد بن زکریا رازی (۸۶۵-۹۲۵) را بتوان بزرگترین آزاد اندیش تمام دنیای اسلام نامید. وی بزرگترین پزشک دنیای اسلامی و یکی از بزرگترین پزشکان تمام زمانها بوده است. رازی در حدود ۲۰۰ کتاب در زمینه های بسیار متنوع و مختلف نوشت. بزرگترین اثر پزشکی وی دایره المعارف جامع الکبیر معروف به المعادی است که نوشتن آن در حدود ۱۵ سال طول کشید. مطالعه دفاتر پزشکی ای که رازی نوشته است به خوبی نشان میدهد که رازی شخصی بسیار آزاد اندیش بوده است و از تعصب و انجماد فکری کاملاً بدور بوده است. در این دفاتر رازی بطور دقیق و مشخص بهبود بیماران، مشکلات آنها و راه های درمان آنها و نتیجه این درمانها روی بیماران را ثبت کرده است. رازی یکی از اولین رساله ها را در مورد بیماری های واگیردار آبله و سرخک نوشت، که بعد از اختراع دستگاه چاپ در اروپا این رساله ها از اولین کتابهایی بود که ترجمه شد و چاپ شد.

اما چیزی که باعث شد مسلمانان به شدت رازی را تکفیر کنند، دیدگاه های رازی در مورد ادیان بود. رازی هیچ آمیختگی و همگونی ای را در میان فلسفه و دین نمیدید. در دو کتاب روشنگرانه که یکی از آنها بعداً یکی از معروف ترین کتابهای کفر آمیز آزاد اندیشان اروپایی (سه دغلكار ۱) را نیز بطور مستقیم تحت تأثیر خود قرار داد، تنفر و ضدیت خود از ادیان مبتنی بر وحی را آشکار کرد. کتاب کفر آمیز رازی "در باب رسالت" از دست مخالفان وی نجات نیافت، اما این روشن است که محور اصلی کتاب ارجحیت استدلال بر وحی و معرفی فلسفه بعنوان تنها راه حقیقت و سعادت بوده است. اما از آثار کفر آمیز رازی، تنها قسمتهایی که یک نویسنده اسماعیلی بر آن نوشته است باقی مانده است، در اینجا دو نظریه بنیادی و جسورانه از این اثر را باز خواهیم گفت.

همه انسانها برابر هستند، و بطور برابری دارای استعداد استدلال شده اند، و نباید استعداد استدلال خویش را در برابر ایمان کور دست کم بگیرند و از دست بدهند. این استدلال است که انسان را قادر میسازد تا حقایق علمی را مستقیماً دریافت دارد. رازی پیامبران را بطور اهانت آمیزی "بزهای ریش بلند" میخواند و میگوید این بزهای ریش بلند هرگز نمیتوانند ادعا کنند که دارای برتری فکری و روحانی خاصی نسبت به بقیه هستند. در ادامه میگوید این بزهای ریش بلند در حالی که مردم را با غرق کردن خود در دروغهایی که از خود تراوش میکنند به اطاعت کور کوران از "گفتار ارباب" فرا میخوانند؛ ادعا میکنند که با پیامی از طرف خدا آمده اند.

معجزات پیامبران نیرنگهایی هستند که بر حیلہ گری استوارند، و یا داستانهایی و روایاتی که از آنها به یاد مانده است مشتی دروغ است. باطل بودن تمام چیزهایی که پیامبران میگویند از این حقیقت آشکار میشود که گفتارهایشان با یکدیگر در تضاد است، پیامبری آنچه پیامبر دیگر منع کرده را در حالی که خود را مخزن و انبار حقایق میدانند مجاز میگرداند. انجیل تورات را نقض میکند و قرآن انجیل را. در مورد قرآن بعنوان مثال، که یک مجموعه طبقه بندی شده از "افسانه هایی پوچ و متناقض" است که بطور مضحکی آنرا بی مانند میخوانند و این در حالی است که در واقع ادبیات و زبان، سبک و این لاف معروف "فصاحتش" از بی عیب و نقص بودن بسیار دور است.

آداب و رسوم، سنت و تنبلی فکری باعث میشود که انسانها رهبران مذهبیشان را کورکورانه دنبال کنند. ادیان اصلی ترین دلیل جنگهای خونینی بوده اند که نوع انسانها را بلا زده کرده است. ادیان همچنین دشمن ثابت قدم تفکر فلسفی و تحقیقات علمی بوده اند. نوشتارها و کتابهای به اصطلاح مقدس بی ارزش هستند و ضرر آنها برای انسانها تاکنون بیشتر از فایده آنها بوده است، در حالی که نوشتارهای قدمایی همچون افلاطون، ارسطو، اقلیدس و بقراط تابحال خدمات بسیار بیشتری را به انسانیت به سمر رسانده است.

کسانی که دور رهبران دینی جمع میشوند یا کم مغز هستند یا زنان و نوجوانان هستند. دین حقایق را خفه میکند و کینه را پرورش میدهد. اگر قرار باشد کتابی درون خودش حقایق و نتیجه از وحی بودن اش را آشکار سازد، رساله های هندسی، ستاره شناسی، پزشکی و منطق میتوانند این ادعا را خیلی بهتر از قرآن مشخص کنند. این ادعای رازی در مقابل مسلمانان تندروی مطرح شده است که میگفتند زیبایی و فصاحت قرآن (که رازی آنرا رد کرده است) رسالت محمد و حقایقش را به ثبوت میرساند.

در فلسفه سیاسی، رازی معتقد بود که اشخاص میتوانند در یک جامعه منظم بدون اینکه در وحشت از قوانین مذهبی ای که پیامبران انسانها را به پیروی از آنها مجبور ساخته اند زندگی کند. مسلمانان چیزهایی که شریعت اسلامی آنها را منع کرده

است، همچون نوشیدن شراب نتوانسته است در دسری برای رازی ایجاد کند و همانطور که رفت، رازی معتقد بود که این فلسفه و استدلال‌ات انسانی است که باعث سعادت و پیشرفت انسانها است نه دین و مذهب.

و بالاخره رازی معتقد به پیشرفت فلسفی و علمی بود. معتقد بود که علوم از نسلی به نسل دیگر پیشرفت میکنند. معتقد بود که اشخاص باید با بینش آزاد و بدون تعصب باشند، و مشاهدات تجربی را تنها به این دلیل که با پیشفرض‌های قبلی آنان همخوانی ندارد رد نکنند. رازی معتقد بود که کارهای علمی و فلسفی او با کارها و نظریات انسانهایی از لحاظ علمی برتر از او، در آینده جایگزین خواهد شد.

از آنچه گذشت آشکار است که رازی پر قدرت‌ترین انتقادات را در دوران میان سالی تاریخ مدرن، چه در اروپا و چه در جهان اسلام بر علیه دین انجام داده است. آثار کفر آمیز او بطور مشخص و دقیق باقی نمانده است اما همین خبر از شرایطی آزاد در جامعه اسلامی "که در جاهای دیگر در آن دوران وجود نداشته است" میدهد.

"گویا نویسنده این متن اصلی این نوشتار از سرانجام رازی که اسلامگرایان به جرم کفر ورزیدن و نفی کردن وحی آنقدر با کتاب خودش بر سرش کوبیدند تا کور شد و اینکه علی رغم آنکه پزشکی میخواست او را تیمار کند هرگز اجازه نداد وی را مداوا بکنند و میگفت نمیخواهد دنیای اینچنین را بار دیگر ببیند، اطلاع ندارد، و از این روست که به خطا گمان میکند رازی در شرایط آزادی میزیسته است. و نکته عجیب تر این است که نویسنده چطور توانسته است از اینکه از رازی کتاب کفر آمیزی باقی نمانده نتیجه گیری کند که رازی در شرایط آزادی زندگی میکرده است." مترجم

ما معتقدیم رازی از ارزشهایی حمایت میکند که ما نیز آنها را بسیار گرامی میداریم: خردگرایی، شک گرایی در مذهب، اعتقاد به علم، بکارگیری استدلال در حل مسائل انسانی، تجربه گرایی، تعصب نورزیدن و عدم اعتماد کور به سنت‌ها.

یافتن این ارزشها در تمامی اعصار بسیار دشوار است و این باعث میشود که جایگاه انسانی که در اوایل قرن ۱۰ ام زندگی میکرده است و پایبند به این ارزشها بوده است بسیار والا باشد، و در واقع اگر قرار است جامعه اسلامی به افتخار گذشته خود برگردد، اینها تنها ارزشهایی است که بدانها نیازمندیم.

۱) نام کتاب به لاتین **De Tribus Impostoribus** است و ترجمه انگلیسی آن در **+** قابل دسترسی است. این کتاب از کتب کلاسیک اروپاست که نویسنده آن مشخص نیست. در آن به بررسی و نقد سه شخصیت دینی یعنی موسی، عیسی و محمد پرداخته میشود.

منبع **+**

ترجمه با اندکی تغییر: آرش بیخدا

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>